

فهیمة سروری، بانوی فعال محله کنه بیست  
۳۰۰ نیروی داوطلب را برای حل مسائل اجتماعی دور هم جمع کرده است



## کاشت بذر دغدغه مندی



### ● درس اول، مسئولیت پذیری

نیکی عقیده دست روی دست گذاشتن را دوست ندارد. درد هم محله ای هایش را می فهمد و تا کاری برایشان انجام ندهد، آرام نمی گیرد. در عین این همه دغدغه مندی، آرامشی مثال زدن در وجودش دارد و نگاه مهربانی که که پیش از هر کلامی، صمیمیتش را نشان می دهد. تکه کلامش، «مامان جان» است؛ عبارتی که آخر هر جمله اش می گذارد و باعث می شود کلامش در جان بنشیند. همه این ویژگی ها در وجودش باعث شده است که حال کلی مسئولیت روی دوش او قرار بگیرد؛ مسئولیت هایی که تمامی ندارند و دغدغه هایی که یکی دو تا نیستند. دبیر مدارس حاشیه شهر است و فرمانده پایگاه بنت الهدی و مدیر قرارگاه کرامت. او یک تشکل و گروه جهادی فعال به نام ولی عصر (عج) هم دارد. اما همه این ها بخشی از مسئولیت هایی هستند که او بر عهده گرفته است. به واسطه همین فعالیت ها حالا سیصد نیروی پای کار دارد که مثل او دغدغه پیشرفت این محله را دارند. هر کدام گوشه ای از کار را بر عهده گرفته اند. یکی رایگان برای بانوان جلسه مشاوره برگزار می کند. دیگری به عنوان معلم برای کودکان بازمانده از تحصیل کلاس درسی برگزار می کند و... بنایی که آجرش را فهیمة سروری دانه دانه روی هم گذاشته، قرار است توسط او و همراهانش تأثیرا هم بالا برود. اما چه شد که این دغدغه ها در او شکل گرفت؟



خودت را به کسی واگذار نکن و توکل همیشه به خدا باشد. اما پدر تنها به تربیت اخلاقی فرزندانش اهمیت نمی داد و تحصیل برای او موضوعی جدی بود. همین شد که وقتی فهیمة سروری سال ۱۳۸۵ در رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد پذیرفته شد، برای این اتفاق جشن گرفت و برای فامیل و اهالی محل ولیمه داد. فهیمة سروری چهار سال دوران دانشجویی را با جدیت پشت سر گذاشت. از همان سال ها در پروژه های پژوهشی مختلف کنار استادانش فعالیت و برای انجام هر پروژه ساعت های زیادی مطالعه می کرد؛ «چهار سال با تلاش و با جان و دل درس خواندم. خارج از درس ها هم با استادان، پروژه های مختلفی را پیش می بردیم. برای هر پروژه لازم بود ده ها کتاب بخوانم و ساعت ها مطالعه کنم. همان سال ها یاد گرفتم برای رسیدن به نتیجه، هیچ راه میانبری وجود ندارد.»

برای پیدا کردن ریشه این دغدغه مندی باید به سال ها قبل برگشت؛ به خانه ای پر جمعیت که فهیمة سروری فرزند اول آن و متولد سال ۱۳۶۱ بود. خودش می گوید هیچ وقت کسی از او نخواست بود بار زندگی را به دوش بکشد، اما او آگاهانه این مسئولیت را پذیرفته بود و از همان سال های کودکی تلاش می کرد کنار پدر و مادرش سهمی در اداره خانه و تربیت خواهر و برادر هایش داشته باشد. هنوز خاطره روز هایی را به یاد دارد که دانش آموز کلاس پنجم دبستان بود و برای پذیرایی از مهمان ها آشپزی می کرد. قدش به اجاق گاز نمی رسید و مجبور می شد سندی زیر پایش بگذارد تا بتواند غذا درست کند. می گوید پدر و مادرش بیش از هر چیز مسئولیت پذیری را به فرزندانشان آموختند؛ درسی که بعد ها در تمام مراحل زندگی همراهش ماند. الگوی زندگی اش را پدرش می داند. محمد سروری در محله چهره ای شناخته شده بود؛ نانوایی خوش نام که ریش سفید محله بود؛ «صدای پدرم همیشه در گوشم است؛ می گفت هر جاکه هستی، متواضع و فروتن باش، مسئولیت

### ● آغاز سال های معلمی

بعد از فارغ التحصیلی و پس از ازدواج، همراه همسرش به محله کنه بیست (موعود) آمد. محله ای که سال ها بعد قرار بود بخش بزرگی از دغدغه ها، فعالیت ها و تلاش هایش در آن شکل بگیرد. از همان روزهای نخست، دو مسیر را هم زمان پیش برد؛ معلمی و فعالیت های فرهنگی و تشکیلاتی در مساجد. اولین مدرسه ای که به عنوان معلم در آن مشغول به کار شد، مدرسه مهشید در خیابان حر ۲۹ بود. معلمی نبود که فقط به تدریس کتاب های درسی بسنده کند. ذهنش پر از ایده بود و مدام به این فکر می کرد که چطور می توان فضای مدرسه را برای دانش آموزان و خانواده هادل نشین تر کرد. همان روزها پیشنهادی به مدیر مدرسه داد؛ برگزاری برنامه ای با عنوان «جشن تلاش». ایده این بود که در این مراسم، پدران دانش آموزان به مدرسه بیایند و به پاس زحمات همسرانشان، شاخه گلی و هدیه ای هر چند کوچک به آن ها تقدیم کنند. مادرانی که کمتر کسی از زحمات روزانه شان قدر دانی می کرد، آن روز در میان تشویق خانواده ها مورد تقدیر قرار گرفتند.

سروری در همان سال ها، در حالی که فرزند خردسال داشت و مسئولیت های زندگی مشترک را هم بر عهده گرفته بود، از یادگیری دست نکشید. برای ارتقای توانایی های آموزشی خود در دوره های تخصصی آموزش و پرورش شرکت کرد و مدارک تدریس در سه درس اصلی ریاضی، علوم و ادبیات را دریافت کرد. او معتقد بود معلمی تنها ایستادن پشت میز کلاس نیست و برای اثرگذاری بیشتر باید مدام آموخت و به روز ماند. همین نگاه باعث شد در مدارس مختلف این محدود به تدریس مشغول شود و دانش آموزان سال های مختلف او را در کلاس های درس دیده باشند. مدرسه اشرف بزرگ، استقلال، آصفی، شهید رحیم زاده و بسیاری از مدارس دیگر این منطقه، هر کدام بخشی از سال های معلمی او را در خود جای داده اند.

